

شماری از دیپلمات‌ها و اساتید دانشگاه به انتقادات درباره حضور رئیس‌جمهوری در مجمع عمومی سازمان ملل پاسخ دادند

چرا حضور ایران در همنشینی نیویورک مهم است؟

گزارش

فاطمه غریبی / گروه دیپلماسی- مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری امروز برای شرکت در هشتاد و یکمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد عازم نیویورک می‌شود؛ سفری که در روزهای اخیر با انتقادهایی درباره ضرورت حضور رئیس‌جمهوری در شرایط کنونی همراه بوده است. با این حال، بررسی کارکردهای این سفر نشان می‌دهد که اتفاقاً در چنین شرایطی حضور ایران در یکی از مهم‌ترین عرصه‌های دیپلماسی چندجانبه اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و غیبت از این تریبون نمی‌تواند به معنای کنار گذاشتن دیپلماسی باشد. چه مجمع عمومی سازمان ملل به عنوان مهم‌ترین گردهمایی دیپلماتیک جهان فرصتی کم نظیر برای دیدار و رایزنی با سران و مقام‌های عالی‌رتبه کشورهای مختلف و تبیین مستقیم مواضع کشورها درباره تحولات بین‌المللی فراهم می‌کند.

در شرایطی که تحولات پرشتاب منطقه‌ای و بین‌المللی فضای متفاوتی بر مناسبات خارجی کشور حاکم کرده است، حضور رئیس‌جمهوری می‌تواند امکان تبیین مواضع ایران، پیگیری منافع ملی، تشریح دیدگاه‌های کشور درباره تحولات منطقه و تقویت تعاملات دیپلماتیک با کشورهای مختلف را فراهم کند. از همین منظر، شماری از استادان دانشگاه و دیپلمات‌های پیشین در یادداشت‌هایی، با دفاع از حضور پزشکیان در مجمع عمومی جاری سازمان ملل به انتقادهای مطرح‌شده درباره این سفر پاسخ داده و ابعاد مختلف آن و ظرفیت‌های دیپلماتیک پیش‌روی هیأت بلندپایه ایران در نیویورک را مورد بررسی قرار داده‌اند.

دیپلماسی در شرایط منازعه

سفر رئیس‌جمهوری ایران به نیویورک را نمی‌توان صرفاً یک سفر سیاسی یا تشریفاتی تلقی کرد. در شرایطی که مناسبات ایران با ایالات متحده و برخی کشورهای غربی در یکی از پرتنش‌ترین مقاطع خود قرار دارد، حضور در مجمع عمومی سازمان ملل را باید در چارچوب گسترده‌تر راهبرد سیاست خارجی و مدیریت منازعه تحلیل کرد. مخالفت با این سفر زمانی از پشتوانه منطقی برخوردار است که بتوان نشان داد هزینه‌های حضور بیش از منافع آن است؛ صرف نامطلوب‌بودن محیط سیاسی آمریکا برای

ایران، به‌تنهایی چنین نتیجه‌ای را اثبات نمی‌کند. مجمع عمومی سازمان ملل یکی از معدود عرصه‌هایی است که در آن ایران می‌تواند بدون واسطه و در برابر طیف گسترده‌ای از دولت‌ها، مواضع خود را تبیین کند. در شرایطی که بخش مهمی از منازعات امروز، علاوه بر عرصه میدانی، در سطح روایت‌ها، مشروعیت بین‌المللی و شکل‌دهی به ادراک دولت‌ها جریان دارد، کناره‌گیری از چنین عرصه‌ای می‌تواند هزینه فرصت قابل‌توجهی ایجاد کند. از منظر نظریات روابط بین‌الملل، قدرت صرفاً به قابلیت اعمال فشار یا مقاومت در برابر فشار محدود نمی‌شود، قدرت، تا اندازه زیادی، به توانایی یک دولت برای شکل‌دادن به محیط پیرامونی و افزایش گزینه‌های پیش‌روی خود نیز وابسته است. دیپلماسی چندجانبه یکی از ابزارهای چنین سیاستی است. دولت‌ها حتی در شرایط منازعه، از تماس و حضور دیپلماتیک برای انتقال پیام، کسب اطلاعات، ایجاد ائتلاف، کاهش سوءبرداشت‌ها



عابد اکبری
استاد روابط
بین‌الملل



مسأله این است که آیا ایران باید در مهم‌ترین صحنه چندجانبه جهان، خودش را نمایش دهد؟

چندجانبه جهان، خودش روایتگر آنچه بر کنش‌ورش باشد

یا صحنه را به روایت دیگران واگذارد.

غیبت ممکن است پیام اعتراض داشته باشد اما حضور، این امکان را فراهم می‌کند که ایران مواضع خود را به‌وضوح نشان دهد.

در چنین شرایطی، غیبت ایران از این صحنه می‌تواند به معنای واگذار کردن بخشی از فضای گفت‌وگو درباره آینده منطقه به دیگران باشد. پزشکیان می‌تواند با دیپلماسی مستقیم خود برای مقام‌های عربی توضیح دهد که ادامه رویارویی نظامی، فقط مسأله‌ای میان تهران و واشنگتن نیست و هر دو ر تازهای از جنگ می‌تواند هزینه‌های امنیتی و اقتصادی آن را به سراسر منطقه منتقل کند.

چنانچه این فهم مشترک شکل بگیرد، می‌تواند به یک مانع سیاسی در برابر هر تصمیم جدید برای گسترش جنگ تبدیل شود. یورژ برلی کشورهایی که خود در معرض پیامدهای مستقیم ناامنی منطقه قرار دارند، این پرسش اهمیت دارد که آیا همراهی با یک اقدام نظامی تازه، واقعاً امنیت بیشتری ایجاد می‌کند یا آنها را به بخشی از حران تبدیل خواهد کرد. از این منظر، حضور رئیس‌جمهوری در نشست جاری سازمان ملل می‌تواند تلاشی برای باز نگه داشتن مسیر دیپلماسی در لحظه‌ای باشد که تهران به آن بیش از هر زمان دیگری نیاز دارد. اگر جنگ را نمی‌توان فقط در میدان جنگ متوقف کرد، شاید بخشی از جلوگیری از جنگ بعدی نیز باید در همان جایی دنبال شود که کشورها درباره آینده منطقه با یکدیگر حرف می‌زنند.

مسأله زمانی پیچیده می‌شود که از خود پرسیم آیا نرفتن الزاماً همان پیامی را منتقل می‌کند که تهران می‌خواهد؟ زیرا در سیاست خارجی، غیبت هم پیام دارد اما کنترل پیام غیبت همیشه در اختیار غایب نیست. اگر ایران در نیویورک حضور نداشته باشد، جنگ متوقف نمی‌شود، روایت‌های رقیب متوقف نمی‌شوند و دیگر کشورها نیز از بحث درباره آینده ایران و منطقه دست نمی‌کشند. تنها چیزی که تغییر می‌کند این است که ایران دیگر در آن صحنه، امکان پاسخ مستقیم به این دیدگاه‌ها را نخواهد داشت. از این زاویه، مسأله سفر به معنی حضور برای از دست ندادن امکان سخن گفتن است.

ارسال پیام سیاسی

این تفاوت زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که رهبران کشورها، وزیران خارجه و دیپلمات‌ها در حاشیه مجمع عمومی با یکدیگر دیدار و رایزنی می‌کنند و بسیاری از گفت‌وگوهایی که در متن رسمی نشست دیده نمی‌شوند، در همین حاشیه‌ها شکل می‌گیرند. گزارش‌ها نیز از برنامه دیدارها و رایزنی‌های پزشکیان با مقام‌های کشورهای مختلف حکایت دارد. از همین رو، حتی اگر آمریکا از آمادگی خود برای گفت‌وگو با رئیس‌جمهوری ایران بگوید، اصل حضور رئیس‌جمهوری ایران در مجمع عمومی به خودی خود هیچ تعهدی برای تهران ایجاد نمی‌کند. اتفاقاً ارزش این حضور می‌تواند در آن باشد که ایران در یک محیط چندجانبه، مواضع خود را افزون بر آمریکا به اروپا، کشورهای آسیایی، همسایگان و مجموعه کشورهای جنوب جهانی منتقل کند؛ آن هم در شرایطی که درباره جنگ، مسأله هسته‌ای، تحریم‌ها، امنیت منطقه و آینده روابط تهران و واشنگتن نگاه‌های متعددی در حال شکل‌گرفتن است.

حتی محدودیت‌هایی که آمریکا برای هیأت ایرانی تعیین کرده، خود به بخشی از همین معادله تبدیل شده است. واشنگتن اعلام کرده که هیأت ایرانی با محدودیت‌هایی در رفت‌وآمد و برخی فعالیت‌ها روبه‌رو خواهد بود. این محدودیت‌ها البته می‌تواند به‌جای آنکه اصل حضور را بی‌معنا کند، بخشی از واقعیت رابطه پرتنش تهران و واشنگتن را نیز در برابر افکار عمومی و دولت‌های جهان قرار دهد. این در حالی است که تجربه سال گذشته نشان داد که حتی یک سخنرانی در مجمع عمومی می‌تواند به



اگر ایران در همنشینی نیویورک غایب باشد، چه کسی قرار است ایران درباره ایران حرف بزند؟ این پرسش در شرایطی مطرح می‌شود که جنگی تجاوزکارانه علیه ایران رخ داده، شمار زیادی از غیرنظامیان شهید شده‌اند و خطر بازگشت تنش همچنان بالای سر منطقه است. درست در چنین موقعیتی رهبران جهان در نیویورک جمع می‌شوند؛ جایی که از ۲۳ تا ۲۸ سپتامبر نشست عمومی هشتاد و یکمین دوره مجمع عمومی سازمان ملل برگزار می‌شود و سران کشورها مواضع خود را درباره مهم‌ترین بحران‌های بین‌المللی بیان می‌کنند. مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری در چنین شرایطی راهی نیویورک می‌شود که درباره جنگ، امنیت منطقه و آینده مناسبات قدرت، روایت‌های مختلف در حال شکل‌گیری است. بنابراین مسأله این است که آیا ایران باید در مهم‌ترین صحنه چندجانبه جهان، خودش روایتگر آنچه بر کنش‌ورش گذشته باشد یا صحنه را به روایت دیگران واگذارد کند. غیبت ممکن است پیام اعتراض داشته باشد اما حضور، این امکان را فراهم می‌کند که ایران اعتراض و مواضع خود را مستقیماً در برابر جهان قرار دهد. در چنین شرایطی مسأله این نیست که رئیس‌جمهوری ایران در بازگشت از نیویورک چند توافق حاصل خواهد کرد یا چند دیدار رسمی در برنامه و قرار خواهد گرفت؛ مسأله اساسی‌تر این است که در یکی از معدود مقاطعی که تقریباً همه بازیگران اصلی نظام بین‌الملل در یک نقطه جمع شده‌اند، آیا ایران باید خودش درباره بحران ایران سخن بگوید یا این صحنه را در اختیار دیگران بگذارد؟

منتقدان سفر البته استدلال خود را دارند. از نگاه آنان، حضور رئیس‌جمهوری ایران در نیویورک در شرایطی که آمریکا و اسرائیل علیه ایران وارد اقدام نظامی شده‌اند، ممکن است این پیام را منتقل کند که تهران آماده بازگشت به قواعد با روندی است که طرف مقابل بر آن اصرار دارد. آنها با طرح همین نگرانی درباره برداشت احتمالی واشنگتن از سفر پزشکیان هشدار داده‌اند که آمریکا ممکن است حضور رئیس‌جمهوری ایران را نشانه‌آمدگی برای دادن امتیاز بیشتر تلقی کند. این نگرانی را نمی‌توان نادیده گرفت اما

بازسازی ابتکار سیاسی ایران

سفر رئیس‌جمهوری ایران به نیویورک را نباید صرفاً سفری تشریفاتی برای سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل دانست. این سفر در یکی از حساس‌ترین مقاطع سیاست خارجی جمهوری اسلامی انجام می‌شود؛ زمانی که جنگ، تحریم، بحران هسته‌ای، ناامنی منطقه‌ای و انسداد روابط تهران-واشنگتن، همزمان فضای تصمیم‌گیری را پرتنش کرده‌اند. از این منظر، نیویورک بیش از آنکه مقصد یک سفر باشد، آزمونی برای توانایی ایران در تبدیل یک بحران چندلایه به یک فرصت دیپلماتیک است.

نخستین فرصت، بازسازی ابتکار سیاسی ایران

است. مجمع عمومی سازمان ملل تنها محلی برای بیان مواضع کشور نیست؛ فرصتی است برای گفت‌وگو با طیف گسترده‌ای از دولت‌ها و جلوگیری از آنکه مسأله ایران صرفاً در چارچوب تقابل تهران و واشنگتن تعریف شود. پیام رئیس‌جمهوری باید روشن، منسجم و آینده‌نگر باشد؛ ایران خواهان جنگ و تشدید تنش نیست، اما از حقوق و منافع اساسی خود نیز صرف‌نظر نمی‌کند و برای یک راه‌حل سیاسی متوازن آمادگی دارد. فرصت دوم، فعال کردن دیپلماسی چندلایه است. گفت‌وگو با کشورهای اروپایی، چین، روسیه، کشورهای خلیج فارس و سایر بازیگران مؤثر باید از سطح دیدارهای تشریفاتی فراتر رود و بر چند موضوع مشخص متمرکز شود: کاهش تنش، جلوگیری از سوءمحاسبه، امنیت کشتیرانی و انرژی، مسائل بشردوستانه و ایجاد مقدمات یک روند سیاسی. در این میان، برخی کشورها می‌توانند در صورت وجود اراده سیاسی، نقش تسهیل‌کننده ارتباط میان طرف‌های درگیر را ایفا کنند. در شرایط فعلی، کانال‌های غیرمستقیم، واسطه‌های معتبر و ارتباطات دیپلماتیک پشت صحنه می‌توانند کارکرد مهم‌تری از مذاکرات مستقیم داشته باشند؛ انتقال پیام، سنجش مواضع

حضور ایران در نیویورک امکان استفاده از تریبون رسمی جهانی برای بیان مستقیم مواضع کشور و جلوگیری از فضاسازی طرف مقابل را فراهم می‌کند.

در چنین فضایی لازم است که رئیس‌جمهوری با یک مأموریت روشن از تهران عازم نیویورک شود؛ به این معنا که نقطه آغاز گفت‌وگو، اهداف و نقطه مطلوب پایان مسیر از پیش در داخل تعیین شده باشد. همچنین لازم است همه جریان‌های سیاسی داخل در طول حضور رئیس‌جمهوری در نیویورک از این مأموریت حمایت کنند تا اختلاف‌نظرهای داخلی به کارشکنی در روند دیپلماسی تبدیل نشود و رئیس‌جمهوری بتواند با پشتوانه سیاسی کافی مواضع ایران را تشریح کند. در نهایت، مدیریت محرمانگی در دیپلماسی نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. باید در نظر داشت که برخی کشورها ممکن است از کاهش تنش ایران و آمریکا یا پایان جنگ استقبال نکنند و منافع خود را در استمرار خصومت ببینند. ازاین رو، حتی در روابط با کشورهای دوست، لازم است همه جزئیات مذاکرات و مواضع کشورمان به‌صورت عمومی مطرح نشود. حفظ سطحی از محرمانگی می‌تواند آسیب‌پذیری دیپلماسی ایران را کاهش دهد و امکان مانور بیشتری برای پیشبرد اهداف مذاکراتی فراهم کند. در کنار ملاحظات سیاسی سفر، مدیریت دقیق جزئیات رفتاری و اجرایی هیأت ایرانی نیز اهمیت ویژه‌ای دارد.

حضور فعال تشریفات وزارت امور خارجه برای توجیه اعضای هیأت درباره ظرفیت مواجبه با هیأت‌ها ضروری است. همچنین با توجه به حساسیت و رصد شدیدتر هیأت ایرانی لازم است رفت‌وآمد اعضا کاملاً مدیریت شده و به مسیرهای رسمی محدود باشد تا از هرگونه حاشیه‌سازی و بهره‌برداری رسانه‌ای از تصاویر یا رفتارهای اعضای هیأت همراه جلوگیری شود.

اسمال مجمع عمومی سازمان ملل در شرایطی برگزار می‌شود که حضور رئیس‌جمهوری ایران، همانند بسیاری از دوره‌های گذشته می‌تواند کارکردی دیپلماتیک و راهبردی داشته باشد. در شرایط حساس کنونی، سفر مسعود پزشکیان به نیویورک و سخنرانی او در مجمع عمومی در کنار دیدارهای دوجانبه و چندجانبه، فرصتی برای بیان مستقیم مواضع جمهوری اسلامی ایران در عالی‌ترین سطح است. در چنین شرایطی، توصیه به عدم حضور، اهمیت این تریبون و کارکرد آن در عرصه بین‌المللی را نادیده می‌گیرد. ایران اکنون با موج گسترده‌ای از روایت‌سازی‌های غربی و اسرائیلی مواجه است که تلاش می‌کند مسئولیت تحولات اخیر و تبعات ناشی از وضعیت تنگ‌هرمز را متوجه ایران کند. حضور در چنین فضای، غیبت ایران به معنای واگذاری میدان روایت‌سازی‌ها به طرف مقابل است. حضور در مجمع عمومی فرصتی برای تبیین این موضع است که ایران، آغازگر بحران نبوده، بلکه مورد حمله و تجاوز قرار گرفته و در شرایطی که جامعه بین‌الملل در برابر تجاوز سکوت کرده، از تأمین ارضی و منافع ملی خود دفاع می‌کند.

درباره تنگه هرمز نیز ایران می‌تواند تصریح کند که اگر کشورهایی از پیامدهای این وضعیت منضر شده‌اند، منشأ این زیان را باید در اقدامات کشورهای مهاجم جست‌وجو کرد، نه در کشوری که خود قربانی تجاوز است.

اهمیت سفر پزشکیان را باید در این واقعیت دید که در شرایطی که رقابت بر سر تبیین تحولات به اندازه خود تحولات اهمیت یافته است،

مجمع عمومی؛ صحنه‌ای برای روایت ایران

مجمع عمومی سازمان ملل متحد هر سال در هفته پایانی ماه سپتامبر آغاز به کار می‌کند و به عنوان گسترده‌ترین و به‌نوعی بلندپایه‌ترین رویداد بین‌المللی، میزبان شمار زیادی از سران کشورهای دولت‌هاست. هر سال بیش از ۱۵۰ رئیس‌دولت و رئیس‌کشور، از جمله پادشاهان، رؤسای جمهوری و نخست‌وزیران در این رویداد شرکت می‌کنند. هر هیأت نیز بر اساس دستور کار و اولویت‌های خود در جلسات مختلف سطح بالا مشارکت می‌کند. همچنین دیدارهای دوجانبه و چندجانبه با کشورهایی که در چارچوب اولویت‌های سیاست خارجی خود مدنظر دارند، برنامه‌ریزی و پیگیری می‌شود. اهمیت حضور در نیویورک از این جهت است که در هیچ زمان دیگری از سال و در هیچ نقطه‌ای از جهان، چنین تنوعی از مقامات عالی‌رتبه کشورها در یک مکان گرد هم نمی‌آیند. از این رو، مجمع عمومی سازمان ملل فرصت بسیار مناسبی برای پیشبرد منافع ملی و اهداف مورد نظر هر کشور و دولت فراهم می‌کند.

در چنین شرایطی، غیبت از این رویداد می‌تواند در برخی موارد این برداشت را ایجاد کند که کشور مربوطه از اعتمادبه‌نفس لازم برای حضور در این عرصه برخوردار نیست. برای نمونه، حتی شاهد بوده‌ایم که نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی با وجود صدور حکم بازداشت بین‌المللی و سنگینی پرونده این رژیم به دلیل جنایات فجیع علیه مردم فلسطین و غزه، همچنان بر حضور در رویدادهای بین‌المللی تأکید دارد تا عدم حضورش به‌عنوان نشانه‌ای از ضعف این رژیم تلقی نشود.

حتی در مواردی که سخنرانی رئیس‌این رژیم با تحریم برخی دولت‌ها مواجه می‌شود، آنها همچنان تلاش می‌کنند صحنه را خالی نکنند. این مثال را از این جهت مطرح می‌کنم که تأکید کم در مجمع عمومی سازمان ملل، ملت ایران نیز باید نماینده داشته باشد و حضور خود را به‌طور مؤثر به نمایش بگذارد.

جمهوری اسلامی ایران باید در این عرصه حضور داشته باشد و مواضع



حسین قریبی
سفیر پیشین
ایران در برزیل



پسته دیپلماتیک سه مرحله‌ای: اول، ارائه یک پیام واحد و ابتکاری در نیویورک؛ دوم، فعال کردن همزمان کانال‌های مختلف برای پیام واحد و ابتکاری در نیویورک؛ دوم، فعال کردن همزمان کانال‌های مختلف برای مدیریت بحران و سوم، تعیین سازوکار مشخص برای پیگیری تماس‌ها پس از بازگشت رئیس‌جمهوری

طرف مقابل و شناسایی موضوعاتی که امکان گفت‌وگو درباره آنها وجود دارد. هدف، ساختن «فرآیند» است، نه تولید یک تصویر رسانه‌ای. از منظر اقتصادی نیز حتی محاوره محدود تنش می‌تواند بر انتظارات اقتصادی، تجارت خارجی، صادرات انرژی و ریسک سرمایه‌گذاری اثر بگذارد. بنابراین دیپلماسی نیویورک، اگر هوشمندانه مدیریت شود، می‌تواند بخشی از هزینه‌های اقتصادی ناشی از عدم اطمینان را کاهش دهد؛ هرچند نباید انتظار داشت دستاورد اقتصادی پایدار بدون تغییرات واقعی در محیط سیاسی و تحریمی حاصل شود. با این حال در نقطه مقابل، تهدید اصلی آن است که این سفر به صحنه تشدید منازعه تبدیل شود. محدودیت‌های سیاسی و امنیتی، فضای رسانه‌ای قطبی و حساسیت فوق‌العاده روابط ایران و آمریکا موجب می‌شود هر اظهارنظر حساب‌ناشده بتواند پیامدهایی فراتر از یک مصاحبه داشته باشد. از این رو، وحدت پیام، انضباط رسانه‌ای و هماهنگی کامل اعضای هیأت اهمیت اساسی دارد.

پیشنهاد عملی آن است که سفر بر مبنای یک «پسته دیپلماتیک سه مرحله‌ای» طراحی شود: اول، ارائه یک پیام واحد و ابتکاری در نیویورک؛ دوم، فعال کردن همزمان کانال‌های مختلف برای مدیریت بحران و سوم، تعیین سازوکار مشخص برای پیگیری تماس‌ها پس از بازگشت رئیس‌جمهوری است. همچنین بهتر است برای هر سناریو، از گشایش محدود دیپلماتیک تا شکست مذاکرات، از پیش نقشه عملیاتی تدوین شود. در نهایت، موفقیت سفر را نباید با تعداد ملاقات‌ها، تیرهای رسانه‌ای یا حتی یک توافق فوری سنجید. معیار واقعی موفقیت آن است که آیا پس از نیویورک، امکان سوءمحاسبه و تشدید بحران کمتر و امکان گفت‌وگو و مدیریت اختلاف بیشتر می‌شود یا خیر. در شرایط کنونی، شاید بزرگ‌ترین دستاورد ممکن، نه دستیابی فوری به توافق، بلکه جلوگیری از بسته شدن آخرین پنجره دیپلماسی باشد. گزینه مطلوب آن است که سفر نیویورک یک رویداد سیاسی صرف نباشد؛ بلکه آغاز یک ابتکار دیپلماتیک برای عبور تدریجی از منطق تقابل به منطق مدیریت بحران باشد.